

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله حقوق

امام زین العابدین علیه السلام



مترجم

دکتر عبدالرضا اسکندری

انتشارات چتر دانش

سرشناسه	: اسکندری، عبدالرضا، ۱۳۶۸-
عنوان قراردادی	: رساله الحقوق، فارسی - عربی، شرح
عنوان و نام پدیدآور	: رساله حقوق امام زین العابدین علیه السلام/مؤلف عبدالرضا اسکندری.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	: ۷۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۰۵-۴
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: زبان: فارسی-عربی.
موضوع	: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. -- احادیث
موضوع	: Ali ibn Hosayn, Imam IV -- Hadiths:
موضوع	: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. رساله الحقوق -- نقد و تفسیر
موضوع	:
Ali ibn Hosayn, Imam IV. Resalah al- Hoquq -- Criticism and interpretation	
موضوع	: احادیث اخلاقی Hadiths - Ethics
شناسه افزوده	: علی بن حسین (ع)، امام چهارم، ۳۸ - ۹۴ق. رساله الحقوق. شرح
شناسه افزوده	: Ali ibn Hosayn, Imam IV. Resalah al- Hoquq :
رده بندی کنگره	: BP۲۴۸
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۲۱۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۹۱۸۱۹۳۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی	: فیبا

نام کتاب	: رساله حقوق امام زین العابدین (علیه السلام)
ناشر	: چتر دانش
مترجم	: دکتر عبدالرضا اسکندری
نوبت و سال چاپ	: اول- ۱۴۰۳
شمارگان	: ۱۰۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۶۰۵-۴
قیمت	: ۷۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خمینیری جاوید(اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

سخن ناشر

حمد و ثنای بی حد بر ایزد منان، خالق لوح و قلم، آفریننده عرش و فرش و درود بی پایان بر خاتم پیامبران محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و خاندان گرامیش که معدن علم و خزانه دار وحی الاهی بودند. سالیانی است که توفیق یافته‌ایم تا در این موسسه نشر با همکاری جمعی از فضلاء حوزوی و دانشگاهی، به انتشار میراث برجای مانده از علوم اسلامی اهتمام ورزیم. آثاری از فقه، اصول، حدیث، رجال، تفسیر، کلام و ادبیات از قدماء تا متأخرین که هریک در خور ستایش صاحبان قلم و اندیشه است.

این اثر، یادگار ماندگار امام چهارم شیعیان حضرت سیدالساجدین، زین العابدین، علی بن الحسین السجاد علیه السلام با عنوان «رسالة الحقوق» بیان‌کننده بیش از پنجاه حق از زبان آن امام همام است. در کتاب حاضر علاوه بر متن کامل این رساله، ترجمه فارسی آن به قلم فاضل ارجمند جناب آقای دکتر عبدالرضا اسکندری، درج شده است. از آنجا که این رساله در مصادر متعدد شیعی، با اختلافاتی در متن، قابل مشاهده است، برای تنظیم این اثر، جلد ۷۴ از کتاب شریف «بحارالانوار» به عنوان مرجع انتخاب شد لذا تمام متن حاضر منطبق بر متن مندرج در بحار است.

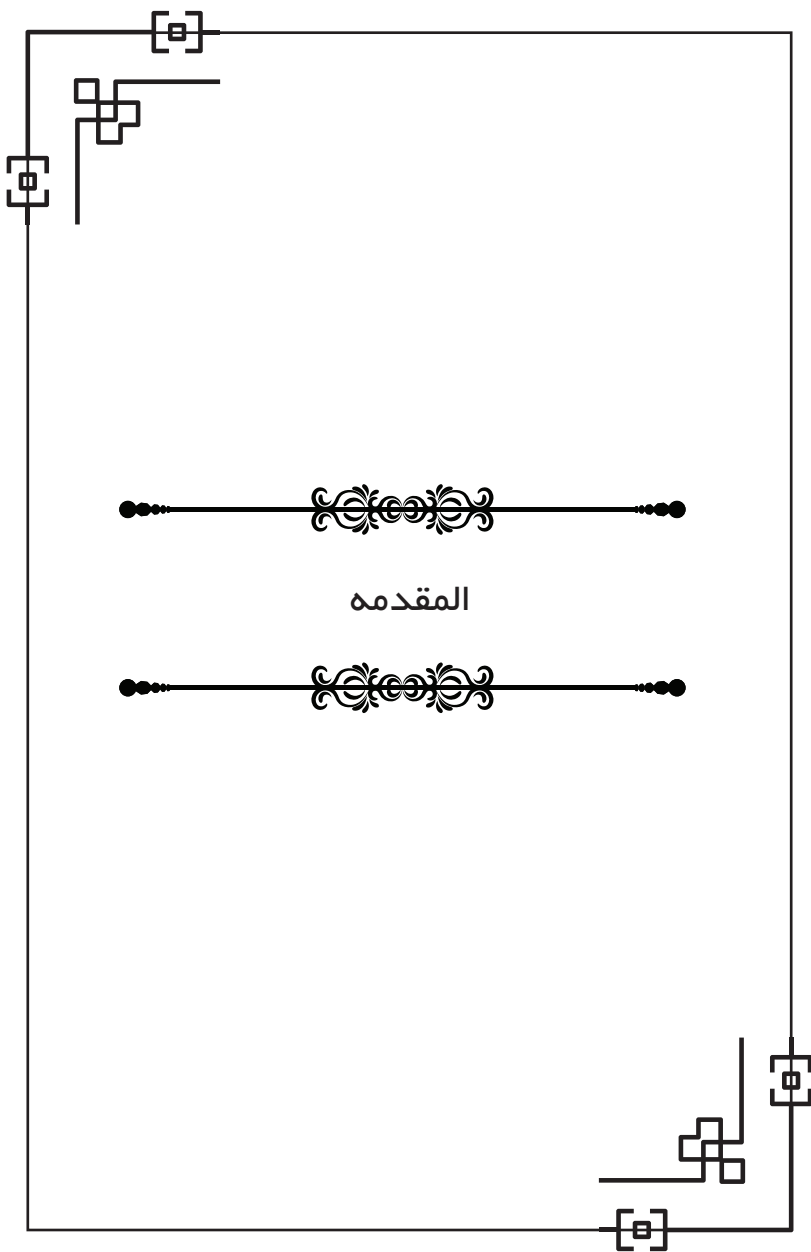
از اهالی قلم و اندیشه صمیمانه تقاضا می‌کنیم که نظرات ارزنده خود در خصوص این اثر و سایر منشورات اسلامی این دفتر نشر را به ما انتقال دهند تا زمینه تقویت این آثار و اصلاح خطاهای احتمالی، فراهم گردد. از خداوند بزرگ مسئلت داریم تا توفیقات همگان در انجام وظایف را افزون فرماید.

و ما توفیقی الا بالله

فرزاد دانشور

فهرست

المقدمه	٧
حق الله ، حق النفس و حقوق الأعضاء	١١
حقوق الأفعال	٢١
حقوق الأئمة	٢٧
حق الرحم	٣٧
سائر الحقوق	٤٣
الخاتمة	٧٢



اعْلَمَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَنْ لِيَّ عَلَيْكَ حُقُوقًا مُحِيطَةً بِكَ فِي كُلِّ حَرَكَةٍ تَحَرَّكْتُهَا
 أَوْ سَكَنَةٍ سَكَنْتُهَا أَوْ مَنَزَلَةٍ نَزَلْتُهَا أَوْ جَارِحَةٍ قَلَبْتُهَا وَ آلَةٍ تَصَرَّفْتُ بِهَا بَعْضُهَا
 أَكْبَرُ مِنْ بَعْضٍ وَ أَكْبَرُ حُقُوقِ اللَّهِ عَلَيْكَ مَا أُوجِبُهُ لِنَفْسِهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى مِنْ
 حَقِّهِ الَّذِي هُوَ أَوْلُ الْحُقُوقِ وَ مِنْهُ تَفَرَّعَ ثُمَّ أُوجِبُهُ عَلَيْكَ لِنَفْسِكَ مِنْ قَرْنِكَ
 إِلَى قَدَمِكَ عَلَى اخْتِلَافِ جَوَارِحِكَ فَجَعَلَ لِبَصْرِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِسَمْعِكَ
 عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِلِّسَانِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِيَدِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِرِجْلِكَ عَلَيْكَ حَقًّا
 وَ لِبَطْنِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِفَرْجِكَ عَلَيْكَ حَقًّا فَهَذِهِ الْجَوَارِحُ السَّبْعُ الَّتِي بِهَا
 تَكُونُ الْأَفْعَالُ.

رحمت خدا بر تو، بدان خدای متعال حقوقی بر عهده‌ی تو دارد که همه‌ی حرکات
 و سکنتات و همه‌ی منازل که در آن فرود آمدی و هر حرکتی که با اعضای بدنت انجام
 دادی و در هر ابزار تصرف نمودی را دربر می‌گیرد.

بعضی از این حقوق از بعض دیگر بزرگتر است. بزرگترین حقوق پروردگار بر تو
 حقوقی است که برای خودش واجب نموده که آن اصل و اساس سایر حقوق است پس
 بر عهده‌ی تو از سر تا قدمت حقوقی را واجب نموده؛ برای چشم و گوش و زبان و دست
 و پا و شکم و اندام شخصی‌ات، حقوقی را مقرر داشته، که با این جوارح هفت‌گانه امورات
 انسان انجام می‌شود.

ثُمَّ جَعَلَ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَفْعَالِكَ عَلَيْكَ حُقُوقًا فَجَعَلَ لِصَلَاتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ
 لِصَوْمِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِصَدَقَتِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِهَدْيِكَ عَلَيْكَ حَقًّا وَ لِأَفْعَالِكَ
 عَلَيْكَ حَقًّا.

ثُمَّ تَخْرُجُ الْحُقُوقُ مِنْكَ إِلَى غَيْرِكَ مِنْ ذَوِي الْحُقُوقِ الْوَاجِبَةِ عَلَيْكَ وَ
 أُوجِبُهَا عَلَيْكَ حُقُوقُ أُمَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثُمَّ حُقُوقُ رَحِمِكَ. فَهَذِهِ
 حُقُوقٌ يَنْشَعِبُ مِنْهَا حُقُوقٌ فَحُقُوقُ أُمَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أُوجِبُهَا عَلَيْكَ حَقٌّ سَائِسِكُ

بِالسُّلْطَانِ ثُمَّ سَأْسِئِكَ بِالْعِلْمِ ثُمَّ حَقُّ سَأْسِئِكَ بِالْمَلِكِ.

سپس خدای عز و جل برای افعال و کارهایی که انجام می‌دهی، تکالیفی بر عهده‌ات گذارده، برای نماز و روزه و صدقه و قربانی روز عید قربانت در منا حقوقی را بر عهده‌ات گذارده کارهایی که انجام می‌دهی حقوقی بر تو دارند. سپس حقوق از دایره‌ی جسم و جان تو بیرون رفته و به سوی آنان که صاحبان حقوق می‌باشند می‌رود، پس واجب‌ترین آن حقوق، حقوق امامانت بر توست، سپس حقوق خادمان و زیردستان و بعد حقوق خویشاوندان؛ این‌ها که ذکر شد حقوقی هستند که از آن‌ها حقوق دیگری سرچشمه می‌گیرد. پس حقوق پیشوایان سه مورد است که واجب‌ترین آنها بر تو حق سلطان است. بعد از آن معلم و سپس کسی که خویشاوند و ملک توست.

وَكُلُّ سَائِسٍ إِمَامٌ وَحُقُوقُ رَعِيَّتِكَ ثَلَاثَةٌ أَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالسُّلْطَانِ
ثُمَّ حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْعِلْمِ فَإِنَّ الْجَاهِلَ رَعِيَّةَ الْعَالِمِ وَحَقُّ رَعِيَّتِكَ بِالْمَلِكِ مِنَ
الْأَزْوَاجِ وَ مَا مَلَكَتْ مِنَ الْإِيمَانِ وَ حُقُوقُ رَحِمِكَ كَثِيرَةٌ مُتَّصِلَةٌ بِقَدْرِ اتِّصَالِ
الرَّحِمِ فِي الْقَرَابَةِ.

فَأَوْجِبُهَا عَلَيْكَ حَقُّ أُمَّكَ ثُمَّ حَقُّ أَبِيكَ ثُمَّ حَقُّ وُلْدِكَ ثُمَّ حَقُّ أَخِيكَ ثُمَّ
الْأَقْرَبُ فَالْأَقْرَبُ وَالْأَوَّلُ فَالْأَوَّلُ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ الْمُنْعَمِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مَوْلَاكَ
الْجَارِيَةِ نِعْمَتِكَ عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ ذِي الْمَعْرُوفِ لَدَيْكَ ثُمَّ حَقُّ مُؤَدِّنِكَ بِالصَّلَاةِ
ثُمَّ حَقُّ إِمَامِكَ فِي صَلَاتِكَ ثُمَّ حَقُّ جَلِيسِكَ ثُمَّ حَقُّ جَارِكَ ثُمَّ حَقُّ صَاحِبِكَ
ثُمَّ حَقُّ شَرِيكَكَ ثُمَّ حَقُّ مَالِكَكَ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ الَّذِي تُطَالِبُهُ ثُمَّ حَقُّ غَرِيمِكَ
الَّذِي يُطَالِبُكَ ثُمَّ حَقُّ خَلِيطِكَ ثُمَّ حَقُّ حَصْمِكَ الْمُدَّعِيِ عَلَيْكَ ثُمَّ حَقُّ
حَصْمِكَ الَّذِي تَدَّعِي عَلَيْهِ ثُمَّ حَقُّ مُسْتَشِيرِكَ ثُمَّ حَقُّ الْمُسِيرِ عَلَيْكَ ثُمَّ
حَقُّ مُسْتَنْصِحِكَ ثُمَّ حَقُّ النَّاصِحِ لَكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ هُوَ أَكْبَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ
هُوَ أَصْغَرُ مِنْكَ ثُمَّ حَقُّ سَائِلِكَ ثُمَّ حَقُّ مَنْ سَأَلْتَهُ ثُمَّ حَقُّ مَنْ جَرَى لَكَ عَلَى

بَدِيهِ مَسَاءَةً بَقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ مَسْرَةً بِذَلِكَ بِقَوْلٍ أَوْ فِعْلٍ عَنْ تَعَمُّدٍ مِنْهُ أَوْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ مِنْهُ ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ عَامَّةٌ ثُمَّ حَقُّ أَهْلِ الذِّمَّةِ ثُمَّ الْحُقُوقُ الْجَارِيَةُ بِقَدْرِ عِلَلِ الْأَحْوَالِ وَ تَصَرُّفِ الْأَسْبَابِ فَطُوبَى لِمَنْ أَعَانَهُ اللَّهُ عَلَى قَضَاءِ مَا أَوْجَبَ عَلَيْهِ مِنْ حُقُوقِهِ وَ وَفَّقَهُ وَ سَدَّدَهُ.

اینها حقوقی است و حقوقی هم از آنها منشعب گردد، و حق پیشوایان که بر تو است سه گونه است واجبتشان حق سلطانت که تدبیر کار تو بدست اوست سپس حق آموزگار و سپس حق آقائی که مالک تو است، هر تدبیرکننده و سرپرستی پیشوا است حقوق زیر دست هم بر سه گونه است حق زیر دست حکومت تو و سپس حق شاگرد و دانشجوی تو زیرا نادان زیر دست و رعیت دانا است، و حق زیر دستی که صاحب اختیار او هستی مانند زوجه و مملوک و حقوق خویشان فراوانست و پیوسته باندازه پیوست رحم در خویشی، واجبت همه بر تو حق مادر تو است و سپس حق پدر تو و سپس حق فرزندان، سپس حق برادرت، سپس بترتیب هر خویشی که نزدیکتر است، سپس حق آزادکننده و ولینعمت تو، سپس حق آزادشدها که ولینعمت اوئی، سپس حق هر که بتو احسان کرده، سپس حق اذان گوی نمازت، سپس حق پیشنمازت، سپس حق همنشین تو، سپس حق همسایهات، سپس حق شریکت سپس حق مالت، سپس حق بدهکارت، سپس حق بستانکارت، سپس حق رفیق معاشرت، سپس حق مدعی بر تو، سپس حق کسی که باو ادعا داری، سپس حق مشورت کن با تو، سپس حق آنکه با او مشورت کنی سپس حق اندرزجویت، سپس حق بزرگتر از تو، سپس حق خردسالتر از تو، سپس حق سائل از تو، سپس حق کسی که از او سؤال کنی، سپس حق کسی که بتو بدی کرده بگفته یا کرده یا بشادی کردن بر علیه تو بگفتار یا کردار بتعمد یا غیر تعمد، سپس حق همه همکیشان، سپس حق کفار ذمی، سپس حقوقی که در تغییر احوال و باسباب پدید آیند، خوشا بر کسی که خدایش یاری دهد تا هر حقی بر او واجب کرده اداء کند و او را توفیق دهد و نگهدارد.



١
حق الله، حق النفس و حقوق الأعضاء

الحق الاول

حق الله

«فَأَمَّا حَقُّ اللَّهِ الْأَكْبَرُ فَإِنَّكَ تَعْبُدُهُ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ بِإِخْلَاصٍ جَعَلَ لَكَ عَلَى نَفْسِهِ أَنْ يَكْفِيكَ أَمْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَحْفَظَ لَكَ مَا تُحِبُّ مِنْهَا».

حق نخست

حق خداوند بر انسان

اما حق بزرگ خدا این است که او را بپرستی و عبادت کنی و کسی و چیزی را در پرستش شریک او نکنی؛ پس اگر با اخلاص عبادت و پرستش نمودی، برای تو حقی را بر عهده‌ی خود گذارده، که کار دنیا و آخرت را کفایت کند؛ و آن چه که از دنیا و آخرت دوست می‌داری را برای تو حفظ کند؛

الحق الثاني

حق النفس

«وَأَمَّا حَقُّ نَفْسِكَ عَلَيْكَ فَإِنَّ تَسْتَوْفِيهَا فِي طَاعَةِ اللَّهِ فَتَوَدَّى إِلَى لِسَانِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى بَصْرِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى يَدِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى رِجْلِكَ حَقَّهُ وَ إِلَى فَرْجِكَ حَقَّهُ وَ تَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَى ذَلِكَ»

حق دوم

حق نفس

و اما حق خودت بر عهده‌ی خودت این است که آن را در طاعت الهی به کار گیری و حق زبان و گوش و چشم و دست و پا و شکم و آلت تناسلیت را ادا کنی و در راه ادای حق اعضای بدن از خدا کمک بگیری.